

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش نامه تفصیلی

هیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۲۷

۲ شنبه ۲ مهر ماه ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

وکیل! مال اندیش!؟

چند ماهی بیش از دوره چهاردهم باقی نمانده. کم کم نمایندگان باید مندمات و موجبات موفقیت خود را برای دوره پانزدهم فراهم سازند و منتظر الوکاله‌ها و معرود الوکاله‌ها اولین جنبشهای خود را آغاز نمایند.

قشقه‌ها کشیده شده، راهپایمین گشته و سایل مجیز است جلگی منتظرند مدهای تیر منظم گنده مسابقه بلند شود تا در بدین آغاز گردند.

همانطوریکه در بعضی مسابقه‌ها حرکت کنندگان عجول گشته که هنوز «فرمان دوم» صادر نشده بی اختیار از صف شرکت کنندگان جدا شده میدورند و پس از چند قدم دویدن با حالت خجلت زده ای دوباره بیجا بنگاه اولیه خود حراجت مینمایند. در میان عاشق الوکاله‌ها هم کسانی از این سنخ یافت میشود.

ما ذیلا یک نمونه از آنرا که از لحاظ اهمیت شخصی بلکه از لحاظ طرز عمل بعنوان نمایندگان معرفی می‌نمایم:

شاید مده ای از خواننده گان نام «معیبط» را در جراب دیدید باشند ایشان شخصی هستند که دوه دوره چهاردهم اشتباهاً سر از صندوق انتخابات سفر بیرون آورده ولی متاسفانه همینکه سر و کله شان از صندوق نمایان شد ضربات سخت احساسات عمومی و عدم رضایت مردم چنان برمنز ایشان اصابت نمود که اگر مقدر بود دوباره بصندوق فرو میرفتند.

آقای معیبط با کف شربت دیده مدت یکسال و نیم کوشش کرد و از هر موقعیت مناسبی استفاده نمود ولی افشاح انتخابات تمییلی سفر بقدری آشکار بود که حتی نزدیکان و هواداران ایشان نتوانستند کمک مؤثری نموده اعتبار نامه شان را از تصویب مجلس بگذرانند. بنابراین اگر چه کارت ویزیت ایشان شاید نماند ایشان را اعلام دارد ولی کتر کسی هست که برای این عنوان رسپتی قائل شود.

آقای معیبط که سوابق مستندی در

دادگستری دارند و تصادفاً گویا چند سالی هم در سنج بان شغل اشتغال داشته اند هر موع که موضوع معزوات انتخابات آنجا بیان آمد خود را یکی از اکراد دوآنته میخوانند و سنوات توقف خود را اغلب چهارده سال بلکه بیشتر در کردستان جلوه داده و کاندید گشته و ادو سنج حساب سفر منظور فرموده و بجه معروف و سرشناس و دن خود دو آنجا طلبه ادب میکند غلامه با آن قبیل زمین ساریها یک دوره سرورا از دانش یک وکیل در مجلس معرود گردانیده و اخیراً هم بگمان تپیه مدفعات دوره پانزدهم مسافرتی اسما به کردستان کرده و پس از چند روز توقف در سنج و ملاقات فرمانده لشکر ساق کردستان (قبل از اختراش بظهران) بسوی قله گاه امیدش رفته است.

از میان گزارشهای متعدده ای که راجع به سلبات ایشان در سنج و بانه رسیده نطق روز ۲۴/۶/۱۹ ایشان که در مسجد جامع سفر با حضور فرمانده بانکان روسای ادارات مده ای از افسران و مده ای از مردم سفر ایراد فرموده اند جلب توجه مینماید.

آقای معیبط با تمام کارهایی خود او تمام زورنگی‌هایی که تیره سالیان دراز و کالت دادگستری و تماس با مردم و آشنا بودن بروحیات اهالی کردستان است در ایراد نطق خود دو مسجد جامع سنج چهار اشتباه تی شده است.

آقای معیبط با محیط بودن با اوضاع سنج و اینکه استبداد کامل حکمرانست و اگر مردم بدانند فرمانده لشکر ملاسیت با ایشان حسن نیت دارد و با اقدامات ایشان بفرموده فرمانده لشکر انجام میشود، برای مخالفت با تظاهری ندارند، بلکه و تنها وارد میدان سفرانی شده و با طبیعت آنها که کسی جرأت تقوا در کرد فرمایشات ایشان را که بانکاه فرمانده لشکر ایراد نموده اند غیر در سفر در جای دیگر اکراد یا منسکس نمایند هر چه خواسته اند گفته اند.

مخاطب از اینکه ایشان چون منفور مردم هستند بیاناتشان هر قدر هم فرا باشد اثری نخواهد داشت و چون مردم ایشان را محاسب و از میان برنده حق مسلم خود پیدانند از ایشان منفرند.

پس از تعریف و توصیف چند نفری که اکثر آموزد نعت مردم سنج هستند مانند امین اسمعی (که حتی در ایگانی روز ۱۰/۱۰/۲۷ از قیوش رسید و جوه مال الاجاره های موقوفه جات که گرفته و غورده است موجود میباشد) و پس از معرفی آنان در زمره بهترین خدمتگزاران دولت بنام دلسوزی برای اهالی سنج اظهار داشته است «بانی خرابیهای سنج و موجب بدبخت مردم این منطقه در درجه اول و کلای کردستان آقایان آمل و سنندجی و آقای صدر قضی نمانند مهیاباد میباشد».

این آقایان هیچگاه مایل با بادی سنج بوده و بجهت سنگ مردم این نواحی را بسینه میزند «در صورتیکه خود را بهترین خادم سنج خوانند و گفته:

«ولی من چه وکیل باشم چه باشم نوکر و خدمتگذار حقیقی شما هستم»

شاید آقای معیبط گمان کرده اند مردم مطیع و ناچار و فرمانبردار سنج حس تشبیس هم ندارند همینکه او گفت مردم هم باور میکنند»

و اجماع با تعالیات سنج پس از اظهار امتنان از چند نفری که با او رای داده اند گفته:

«اگر هم رای ندادید از مقامات موثر دستور میرسید و بعد از من تقاضی نمیکردم اگر چه در جواب این جواب دندان شکنی از طرف یکی از حضار باو داده شده ولی قطعاً بروی مبارک نیاروده ولی شاید باطفاً مفروض «مه را اولو ببرد» از ضمیرش گذشته باشند»

قست مضحك گفته هایش پیشنهاد تحسن مردم در تلنگر افغانه برای انضای فرمانده لشکر مرتب هوشنه امتار بوده و من باب مقدمه گفته است:

«واضحی و امنیت شما مرهون نفاکاریهای اوست - اوست که دلش حال شما میسوزد. اوست که بداد شما میرسد. آتیهای که ظاهراً خود را دلسوز شما معرفی میکنند هوام مریب مینمایند»

پس پیشنهاد نموده بود که مردم بلافاصله به تلنگر اصعانه بروند و در آنجا متحمن شوند و مجدانه ایامی هوشنه افتار را بخوانند. در اینجا قدری هم ناز با تمهید کرده و گفته بود:

«من هم از اینجا تقوا هم رفت و آتیه در بارشاری خواهم کرد که دستور ایامی فرمانده لشکر برسد»

کامه ایسانی چند از قبیل امین اسمعی و اتوری (که چندین مرتبه ممنوع الوکاله شده) و غیره بدلیاتش روان و خود آقای معیبط مانند اینکه میخواهد پرچم اوج وظایف را بر فراز یکی از ازمات بزرگ دولت منسوب نصب کند بسوی تلنگر افغانه از جاو حرکت نموده مده ای هم از ترس پاپوش سازی ناچار به تبیت بودند.

شاید آقای معیبط این چند نفر را در تلنگر افغانی که مغایره کرده بچندین هزار بالغ نموده باشد و تماشاچیان کوچ و خیاسان را که باین منزل جاهلانه لمن و نظیرین مبرفستانه بحساب متحصنین منظور فرموده باشند.

اخبار کشور

تخلیه فرودگاه قهه مرغی

فرودگاه قهه مرغی از طرف نیروی هوایی شوروی تخلیه کلیه ماسات و ساکنان های آن تحویل نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی گردید.

فروش اردوگاههای امریکاییها

اداره تصفیه امور مالی بری و جبری ارتش آمریکا در فرماندهی سلجق فارس اقدامی مربوط بازرگانههای خود را واقع در راههای خرمشهر و رود نر با عرض فروش کرده است.

ورود آیت الله کاشانی به تهران

آیت الله آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی روز جمعه گذشته بطهران وارد شده است.

امته نادر کرمان

آقای مهدی شاهرخ از طرف وزارت کشور بیست استانهای استان هشت کرمان منصوب گردیدند.

نایبندگان کنگره امریکا در تهران

با تعداد ۷ نفر از نایبگان کنگره امریکا که اعضای کمیته مخصوص برای مطالعه در امور اقتصادی مذاکره هستند و تهران وارد شده و در جلسه دور اول امور خارجه به پا شد.

آزادی بازداشت شدگان

آقایان سرلشکر فخراف زاهدی و معطفی تمد که بازداشت شده بودند آزاد و تهران وارد شدند.

بازرس ناحیه ۵

آقای سرلشکر فیروز بزمی بازرس ناحیه ۵

ناحیه ۵ ارتش منصوب شده

عزیمت بسوی

آقای دکتر اسمعیل ملک و آقای دکتر عباس نفیس نماینده کمیسیون شید سرخ ایران برای شرکت در کنفرانس ملی احمر بسویس عزیمت خواهند نمود.

انتصابات

آقای مهندس حجت سیمسی ریاست اداره بازرگانی و پیشه و هنر استان بک.

آقای قیصر الله شپردارست معاونت اداره هنر مازلو و آمار انتخاب شده است.

هدیه قومی کارخانه سیمان

آقای محمد حسن تاج بخش رئیس تعمیرخانه کارخانه سیمان با حفظ سمت عالی به ریاست کارخانه سیمان منصوب شدند.

رئیس کل بازرسی ثبت

آقای ابوالقاسم محمد رئیس دفتر ثبت کل ریاست بازرسی ثبت کل انتخاب شدند.

کمیسیون نمایندگان کنایه کشتی

روز چهارشنبه یکم مهر ماه نمایندگان کشتی در بیجاگان امیرحضرت همایون شاهنشاهی گناباد تشکیل یافت.

طرح قانون استخدام مهندسیین از طرف آقای وزیر بازرگانی و صنایع و معادن و وزیر راه و راهسازی که طرح کامل قانون استخدام مهندسیین را تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران تقدیم دارد.

رئیس اداره راهنمایی و رانندگی

آقای سرهنگ شماری معاون اداره سرکلانتری با حفظ سمت فعلی ریاست اداره راهنمایی و رانندگی انتخاب شدند.

انتصابات

آقای محمود اعدام بکفالت اجرای مال الاجار و آقای ستوان یکم ابراهیم مصطفی عباد لومی بست معاونت و بازرسی فرماندهار نظامی گیلان
آقای رحیم گودرزی بست بازرسی ویژه سازمان اقتصادی منصوب شده اند.

مسافرت دانشمند

آقایان دکتر رستگار و مهندس لیتی بیانی از طرف شورای فرهنگی بریتانیا دعوت شده اند که برای مطالعه باگستان مسافرت نمایند.

امتحانات ورودی دانشکده حقوق

از روز شنبه ۳۱ شهریور تا پنجم مهر اسامی دارطلبان سابقه ورودی دانشکده حقوق ثبت و امتحانات از روز دوشنبه ۹ مهرماه ساعت هشت صبح شروع خواهد شد.

تخصیص در مجلس

آقای پروفسور شهاب که سوابق فرهنگی دوستانه دارند برای اخلاق حق خود چند روز در مجلس منحصر شدند.
حریق در کارخانه کبیریت سازی کارخانه کبیریت سازی شامین واقع در مهران در نزاعات با شرکت کراکس گرفت و در حدود یکصد هزار دلار خسارت وارد آمد.

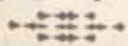
تقاضای ارجاع شدن شهر دار

عمده ای از پیشه وران مهران به تلگرافخانه وقت برگزار نمودن شهردار آجاوا درخواست نموده بودند.

انتصاب

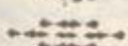
آقای ناغدا سوم مساعد اردلان که از افسران تحصیل کرده و لایق ارتش میباشد بست معاونت وابسته نظامی ایران در واشنگتن منصوب و قریباً خوب ماموریت خود عهدهت خواهند نمود.

محیط در سفر



بفرار اطلاع رسیده آقای حبیب الله محیط ننگرالی تهیه و توسط انوری دم کرجان کن بود که چندین دفعه متوجه لوکاله شده برای جناب شیخ میدا در جناب دره میفرسند که از طرف خود و با پایشان اعضاء نماینده ولی مناسفاته ایشان باسخ متنی داده و تبر محیط در اینجا به سگ مسخورد.

در پناه



اقدامات آقای محیط برای تهیه تا کرات رضایت آمیز و تشریح آئین برای آقای فرمانده لشکر محبوب چندین مطابق میل استقبال نشده معسدا ایشان از اصحاب مردم اظهار نهایت خوشحالی نموده اند.

از مشرقین محترم

تقاضا میشود در

ارسال وجوه اشتراک

تسریع فرمایند

فرسیده بود که هوایی های ترک در آسان کرد آرا ظاهر و با بسو آتش مسلسل های خود وظیفه خوش آمدگفتن را انجام داده این عمل را چند روز متوالی تکرار نموده.
ترشکی هم دوباره با آزارات برگشته بود این دفعه علاوه بر برادرش چرخه چند دلاور دیگر مانند اوس و فتوک در شجاعت و جنگاوری واقعا بی نظیر بودند همرا داشت
شیخ ظاهر جوان رشید و فداکار کرد و برادرش بده عبدالقادر آمده و با آزاراتی ها پیوسته
و بزب برف سکوت را بر قرار کرده
در آزارات روزنامه ای بزبان کردی تحت نام « آگری » انتشار یافت ۱۰ روزنامه با وجود نبودن کامل قدر کفایت بنده اولاد منتشر میشد و از طرفی هم چون چاپخانه ای نبود روزنامه از این بنده
نظامیان ترک دریافته بودند که باغصم بیباکی سروکار دارند لذا خیلی هراسان بودند. باوم و شواب رات شبانه ندارند زیرا اکثر شبها فقط بیغالی اینک مورد حمله آزاراتی قرار گرفته اند تاریکی شب و امراض آتش بیانه نظامی هدف گلوله مسلسل قرار داده بسبب ها برتاب میکردند. در یک بست که صدای فلیک بلند میشد بستهای دیگر تپانید و تاقب آن تیراندازی را ادامه میدادند. این عمل برای آزاراتیها صورت « آتش بازی » داشت.
در این زمستان بود که برای سرکومی شیخ محمد حبه سوری که مطیع دولت ترکیه بود در لیم فرسخی شهر بازید سکونت داشت و با تنویر خود مأمورین نظامی سرحدی ترکیه با دست مخصوص خود معنیافه

وقایع آزارات

۱۳۰

در اواخر تابستان در نزدیکی آزارات میان محافظین سرحدی ایران و ترک نزاری رخ داده نظامیان رشید ایران به یکی از بست های ترک حمله کرده و تپه ای را از آن گرفتند و دلاوران کرد بجل واقعه بکمل ایرانیان شتافتند. فرمانده سرحدی ترک و خاتم اوضاع را در پانته نوری با افسر ایرانی مذاکره کرده اختلاف را رفع نمود.
این پیش آمد مصداق با ایامی شد که فرمانده کرد بسرای سرکسی بشعبات غوی بون از آزارات خارج شده بود و در همین موقع بود که شیخ عبدالقادر قصد حودت بشلاق خود کرد و در منطقه کوه تندروک مورد حمله قوای دولتی ترک شد ابل و اثاب و مواشی خود را بجای گذاشته با زحمت فراوان هیال و اطفال خود را خلاص و با حال بریتانی با آزارات پناه برده مناسفانه صالح برادر زاده اش و شیخ باسید پسر موسی و عده دیگر زن و مرد کشته شده بودند باین وسیله شیخ دوباره بیرون ملحق گشت
قبل از اینکه زمستان میان دو طرف متخاصم متاثر که موقتی جنگ را اعلام نماید خانواده فرمانده کرده در نتیجه مذاکره با هیئت اعزامی ترک از نزدیکی پل شیخلو با گذر نامه از ترکیه خارج و سوریه آمده بود با آزارات رسیده این مسئله که بظاهر بی اهمیت بنظر میرسد تشکیلات غوی بون را نمایان ساخت. هنوز هفته اول ورودش به پایان

بنام آقای ت. ا. ییلان

تشویق - یا قوه محرک و فعاله و جو: انسانی ...

از نخستین روزیکه انسان یاد ابرو
تعمیر و ترقی نهاد و پائیکیل اجتماع دست
از بربریت و توحش برداشت و برای
تسهیل روابط اجتماعی و رفاه و آسایش
مهنوع صنایع و اختراعات هست گماشت
و در این راه پداکار و جانیازی برداشت
محرک اولیه اش حس تشویق بود

یکی از غرایز طبیعی و مکتون شر
احساس تلون و غلبه بر سایر مهنوع میباشد
وقتی شخصی در حرف یا رفتار مسرود
تشویق و ترقیب فرآورگرت این عمل
ببندله اعتراف و برتری او در فن خود بر
سایر امثال و معکارانش میباشد و همین
کله تشویق سبب میشود که روح شاد
و سی و صل در شخص تشویق شده بدار
و برای همیشه او را در جریان زندگی
هادمان و در مریوعات مریسوطه اش
بکوشش و خدمت عقیقی پردازد.

خلاصه تشویق چون روغنی
است که دنده های چرخ ماشین
وجود انسانی را بگردش در
آورده و چون قوه محرکی است
که هر فردی در کارهای مربوطه
و مریوعات، بخود بهالیت و جدو
جهت و ادا مینازد.

تشویق اقسام مختلف دارد شفاهی
کتبی، مادی، معنوی، اخلاقی و انواع دیگر
که هر شخص متناسب و طبیعت اجتماعی خود
در جریان روزمره زندگی نسبت به کسانی
که مادیون و زیر دست او هستند بایستی
اعمال و مریی به اورد.

قول، در حق خدمتگاران صالح
دلیس اداره نسبت بکارمندان مازرگن
در راه شاگرد حاصل دلالت، مدرک را خانه
در برابر کارگران سی اواباب منزل در
نیال گفت و نوگرو زن و اولاد موظف
تشویق و ترقیب است.

مزازان موارد تاریخی و اجتماعی در
دست داریم که در آن کبر تشویق عمل
مربوط بپیشرفت نازل و پایه سرعت رفتی
بسیارم و مسند که شرح آنها در این مختصر
نمیگنجد؛ گمان ندارم اشخاصی باشند که
در زندگی خود باین مشی بی ابرده باشند
ولی چرا اکثر بان قوه فعاله اشکاره عمل
مینمایند معلوم نیست مضموم صاحبانیکه

طالب اعمال مشوی و خدمت عقیقی
مباشند باید این کله را بدست فراموشی و
نسبان سپارند. بد بهضاه سیر قهرانی و
و فساد اخلاقی اجتماع که در زندگی
حاضر ما چنان رسوخ یافته شاید سبب
گردیده که توییح بجای تشویق مرسوم
مسول گردد در صورتیکه عمل توییح و
تشد در مرمورد و مقام بجای اصلاح و
مرمت ممکن است چنان عکس العمل

بنام آقای هوشنگ سهرابی

مرک در راه آزادی

مدت پشاه مام روزنامه و زمین تومستن که برای دستکاری
اکراد از چنگال ظلمت و جانوران آم- ناپیدایش یافته بر حسب
مقامات عالی کشور بگناه سفکونی و فریاد مظلومیت گروه نجشکش
کرد توفیق بود.

جوانان و روشمگران کردستان مقیم تهران از همه بگرطت
توفیق روزنامه را بر سرش میگرداند و میگوید که در روزهای گذشته
نه نقل از اینکه مصالح کشور همیشه ایجاب کرده افراد ایرانی چون
فرمان والامر بزرگان و فرمانروایان بیادگرحق زیستن و نوشیدن
و خوردن و نوشن خواندن و گفتن رانده شده باشند.

روزنامه کوهستان چون شایسته قلوب ناریک و افکار بربرش
کرد بود بسوجب همین گناه غیرقابل عفو سر روز توفیق و در سنج
و سزای بر خلاف قوانین کشوری و اجتماعی بفرموده ژنرال فرمانده
لشکر از انتشار در شماره آن شده بهی جاو گیری بصل آمده.

همه این بازبهای کردکا و مسخره آمیزه نظر برای حلفضام و اندوشن
مال، زبون ساختن، کرا بود... الا چگونه ممکن است در مریکز کشور که
جایگاه وضع قوانین و رسیدگی بامور و بررسی مظلومیات و ساسور
و غیره است روز نامه منتشر شده و خواندن همان روزنامه برای
کوهستانیان باختر ایران کیفر بزرگ و مذاب الیم همراه داشته
باشد این است معنی حکومت فرس مازوری و مارک الطوابی که
پادگار دوره بربریت بشر است.

قدرت و نیروی سه گانه که در قانون اساسی نامبرده شده تنها
برای تهران و شماع شش کیلومتر است.

و انما شرم آورد است برای فرمانده لشکریکه بجای شکستن
دزهای بولادین و غطهای چون مازنی و زبکفرید و تنظیم قنط و
تعلیم تاکتیک و مقون نبرد بدون جهت بتوفیق روزنامه و بازداشت
چند تن از برادران میهنش افتخارکنند.

شش سال مبارزه یعنی ۲۱۶۰ روز کشتن و سوختن و بردن
و چاییدن نه تنها مردمان چهار ازیقه اسارت و زرخ پدی نجات و
رهائی ننهاد بلکه اشکاراً ثابت شد تا زمانیکه بکفر و بیگروهی
تواند از جسم و جان و ناموس و کفانه خویش دفاع کند تا گریز
معکوم فلنا و بیستی است و دیگران در عوض شفقت و ترحم بامش
مفر شرا متلاشی خواهند کرد از موقبیکه بشر قوانین اجتماعی وضع
کرده و بایند با اصول و مقررات و کلمات، بیبا و فریبنده تسایر حقوق
و آزادی و دافگستری گشته است این دفاع شکل قانون در آمد و
نگهبان عقیقی کشوری ملت شده است حال اگر سیر این قانون رعایت
این اصل مسلم دانگ کرده و بساط زور و ظاری و اخادی و باری
چایگزین قانون کرده آنوقت مردم میتوانند مفر را و با دست جسی
بنام سبط قانون بیکار خرافتندانه نمایند مدنا و مصلحام مایکونه
اشخاص صفت اشرا و گردنکش و مشرد را بایند داد بر ا علاوه بر
مخلافه و دانشندان بیغیر اگر م لیز در مقابل شرخات مادی و معنوی
امر بدقاع فرمودند.

مریحا باید فرماندهان ارتش و سایر کارمندان دولت مامور
کردستان گفت کشتن چندین ملیون جوان و دانشنده و زن و مرد و
بر زکر و پیشه وینا، آزادی و برای آزادی بوده و تا هنگامیکه
آزاد خراه های استالینگراد و خیابانهای قشک و دوشو و برلن و
لبن و مابره جنگاوران ساستوپول و اطلین با برجا و بیادگار مانده
کله آزادی از نظر مرموت خواهد شد پس زهی کم عقلی و بیگمنزری
است که با زور و تهدید از مقدسات و نیایلات یکشت مردم مطیع و
ساحش و در دلاور جلوگیری کرد مرتکبین این جنایات و اعمال زشت
باید آگاه باشند زور و استبداد و خود سری هواب و خسی
دورداشتن این ست با االله بلند میگرم با مرک با آزادی.

چه نیکوست جوانان و خرمندان و سالخوردگان و دوشیزگان
و زنان از دستگیری و ناشایستهای گذشته حالا پند گرفته و در کله
مرک و آزادی راهلا منش مقدس شود صلاحت تا داشته ما استعناق
حق حیات و برابری و داشتن فرهنگ و بهداشت و بالاخره مریوعات
تعمیر و تجد کتونی را داریم.

باید گفت و نوشت

توجه دهعت اغیر ستاد ارتش با وضع
کردستان امیدوار بجای در مردم ایجاد نموده
بخصوص اشال چند نفر از اسرمان ارشد
که بانی اغلاز و موجد ناراضیانی های مردم
بودند حسن اثر بشده هماظور که اقدامات
ناروای پاره از اسرمان را خوشتر میدانیم
این اقدامات اصلاحی ستاد ارتش را نیز
تصین میکنیم ما اینطور تشویق داده ایم
که اصلاح امور فقط در سایه همکاری صیبا
انجام پذیر است و عقیده مندم باید ممرأ
معایب گفته شود و تذکر تنها نباید گفت
کرد باید گفت و نوشت و امر او داشت که
حقیقت روشن شود و کما کما بقیقت نمایان
شد هر اقله ای که صلاح است انجام گیرد ما
خود را موظف میدانیم جدا مرائ اعمال
مامورین باشیم زیرا اینطور تشویق داده
ایم اغلب شرابکارها و تاراضیتمای مردم
و باس و نا امید آنان بدست مامورین
ما صالح یا نادان فراهم میشود شایر این
برای این که همکاری صیبا و وسعت نظر
بین دولت و مردم حاصل شود باید دست
مامورین نام صالح یا نادان کوتاه گردد و
بجای آنها مامورین صالح و کاردان گمارده
شود.

ما این آزمایش را در مناطق کردستان
از اول روز انتشار روزنامه شروع نموده ایم
و همچنان ادامه خواهیم داد و باید نتیجه
مطلوب برسیم و هیچ باکی نه از گفته، نه
از نوشته و نه از مرمه ندان نداریم.
در کلیه اقدامات خود وجدان پاک
خود را گواه صادق گرفته و از اغوا و تمثال
مدد یاری میطلبیم. و هر کسی در این راه
با کمک کد صیبا، سپاسگزاری مینمایم

بزم آقای ملیان یونسی لیسایی خون

گرمانشاه متروک

-۴-

کرم براخ ادم کرم بود و کرم خورد
 بهر کسی که گفتیم کرم بگفت کرم
 بقیه نگارنده همچنانکه برصاحب
 خانه لازم است از جریانات خود مستحضر
 باشد برای او نیز ضروری است صفحہ اول
 داشتن اطلاعات جزئی نسبت به شهرستان
 خود بیسوره نباشد تا به ما خوانده اول لحاظ
 نشود و قائلی که در جامه میبندد عصری
 مفید و حدنگذار بسرای شهر
 مولد خود بشمار رود باینجهت اگر
 نگارنده در مقالات آنی خود گاه گاهی
 بجزئیات میردازد برای پیروی از این
 منظوره مقدس است و همین لحاظ هم در
 وجه تسمیه کرمانشاه بتفصیل پادرت شده
 است.

وجه تسمیه کرمانشاه

وجه تسمیه ای می کرمان و کرمانشاه
 کلاه کرمانشاه اقتباس از نام کرمان
 میباشد و این آنکه شاید بر بعضی از
 هموطنان عزیز و همشهری های گرانس
 پوشیده نباشد این واسطه ناچار ابتدا
 توضیحاتی در اطراف وجه تسمیه حکمرانان
 داده و سپس بوجه تسمیه حکمرانشاه
 میردازیم.

کرمان موافق کنیه های هخامنشی
 پرتی نام داشته و بعدها بنام کارامانیام بدل
 و بتدریج در اثر کثرت استعمال تبدیل
 بکرمان شده است و چون بهرام چهارم
 پادشاه ساسانی که در زمان پدرش (و با
 قبول سر جان ملکم در زمان برادرش)
 ولیعهد و والی کرمان و بواسطه ولایت
 در آن شهر معروف و منسوب بکرمانشاه
 بود در سال ۳۸۸ میلادی بفتح پادشاهی
 رسید و در زمان سلطنتش در باختر ایران
 شهری بنا گذاشت و آنرا بطلب خود بنام
 (کرمانشاه) مسی کرد.

پس بنا بر این ماخذ شهرستان فعلی
 کرمانشاه که مرصک از کلبه شاه و
 کرمان میباشد در حدود یکپهزار و پانصد
 سال قبل بنام و نام گذاری شده است ولی
 قبل از آن یعنی در زمان هخامنشیان این
 ولایت بنام گامیبادان (۱) معروف و در
 کنیه یستون هم کن به نام Kanpadana ذکر
 شده است و از عباراتی که در کتاب گنج
 دانش ذکر شده (اسکندر در سنه ۳۲۶

قبل از میلاد که از فتوحات ایران مراجعت
 بیابیل میرفت و آن سر آخرش بود در
 پایتخت گذشت و از کرمانشاهان که آن
 وقت موسوم بیاختمان بود عبور کرد معلوم
 میشود مرکز این ولایت زمانی به نام گامیبادان
 نام داشته است.

این شهرستان را اعراب قمرما سین
 (بمعنی قاف) یا قمر ماشین میگفتند.
 پس از فتح اعراب این شهرستان از
 الفظهاست سپاهین بصره شد و آن را
 ماه البصره (۲) مینامیدند.

بهر جهت این شهرستان و توابع و
 ساکنین آن بطوری که در مقالات آمده
 مشروحاً بگفته خواهد شد بشرط داشتن
 سرپرست دلسوز و فقیه قدری مستعدترقی
 و تدلی هستند که حتی بر آن منور نیست
 و درین هم از جمله یوز و روسیالی که
 شعرت سلطنت از حلاله بیست و همام
 اگرست قبصر رم و در این موضوع را
 گمان نکرده مینویسد:
 (این ناحیه بدوی مستعد و آسایش
 که شایسته است مسکن ربانان و مایه
 السوس بواسطه عدم توجه دواچار وقت
 این ناحیه از آبادانی و عمران بازمانده
 و هر زمان دسحوس عاصری نایک و مرغوز
 شده و آنرا بصورتی در آورده اند که ما
 ناچار شده ایم مقالات خود را بنام
 (کرمانشاه متروک) ادامه دهیم تا شاید
 در اثر توجهات عالی و تذکراتی که ما
 خواهیم داد بخت برگشته آن سامانی گیرد
 و نام تسمیه مقاله را از کرمانشاه متروک
 (بکرمانشاه معروف) عوض کنیم و آن
 اشاء الله موقعیست که مردمان قبیله دانه شن
 و مالکین و تجار تروتنه آن صناعات هم
 دست اتحاد و اتفاق بهم داده و از هر گونه
 فداکاری برای عمران و آبادی شهر خود
 مضایقه نموده و بطنیلی ها و انگل های
 اجناسی راه نهند که باتوسمه قارخانه ها
 (آبادی میخانه و زیرانی ماست) و غیره
 غریزه ذاتی آنها ا منقلب نموده آن را
 بقهقرا و اسطفاط اخلاقی سوق دهند و سعی
 فرمایند شهرستان آنها بقدری مسور و
 آباد شود که کاملا مصادان این شهر واپیدا
 نماید.

کرمانشاهان وجهه رضوان لایه
 کز بوی یلغور همه عالم مسطراست

(۱) کیبادان KmBadana تقریباً کرمانشاه امروزیست منتها آبادی آن تا محل
 طاق بستان فعلی بوده است.
 (۲) کرمانشاه جزء مادرزاد بوده و گاه مادهم در زمان ساسانیان تبدیل بسایر
 در قرون اسلامی ماه شد مثلاً ماه البصره (یا کرمانشاه) ماه الکنه (یا پهلور)

اصحیح

آقای یوسف ملک مدیر دور ماهه آترا از بیروت مینویسد
 دور یکی از مقالات شماره ۱۷ نامه کوهستان اشتباهات اینجاب را
 مدیر روز نامه صوت الاحرار معرفی کرده بودند.
 خواهشندم این اشتباه را تصحیح فرمایند. اینجاب مدیر
 روزنامه اثر هشتم که خلا منتشر نمی شود ولی گاهی در روزها بصوت
 الاحرار مقالاتی می نویسم.

بازی در معجم البلدان و لغت القلوب و تاریخ سر جان
 ملکم و گنج دانش در هریک بنحویه غلطی از کرمانشاه سطروری
 نوشته شده و ما ذیلاً برای اطلاعات سبط ترویج بیشتر و عیناً عبارات
 مربوط بوجه تسمیه کرمانشاه را از کتب مذکور استخراج و از نظر
 خواننده گان گرامی میگذرانیم.

۱- از معجم البلدان ب قوت حموی (جلد هفتم طبع مصر
 صفحه ۶۳) - پانویس از شاهنامه فضل و اهم مساها و اترمه ششم
 هجری بوده است در باره کرمانشاه اینطور مینویسد:
 قمرما سین بفتح اول و بدون ثانی مرتب کرمانشاهان و آن
 شهری است که میان آن و همدان سی فرسنگ راه و نزدیک دینور
 و بین همدان و حلوان در سر راه حاج واقع شده.

۲- از کتاب نزهت القلوب - که مؤلف آن
 حمدالله مستوفی قزوینی است.

و در اوایل مفسد هجری میزیست است کرمانشاه و ادر کتب
 قمرما سین (قمرما سین) نوشته اند از انبیا چهارم است طویش از جریر
 خاندان (ج) (۱) و عرض از خط استوا (لذک) (۲) بهرام بن
 شاهپور ذوالکفایت ساسانی ساعت و قباد بن بیروز ساسانی (۳)
 بعد از همدانیش کرد و در وجهت خود همدان طالب ساخت و پسرش
 انوشیروان مدخل در اورد که ساخته صد گرد و صدگر و در یک جشن
 دوازده فنور چین و حاقان ترک و رای همه و قیصر روم او را دست
 پوس کردند.

شهری وسط بوده است.
 اکنون دیبست و صفا شد و در آن حدود است و خسرو
 پرویز ساخت و در صحرای آن باغ انداخته دوزخستان در دوزخستان
 و بعضی از آن منبر کز گردانیده چنانچه باده های سرد سیری و
 گرم سیری در او بودی و بقی چون بدانی بنظر او گذاشته و دو او
 انواع حیوانات سرداده تا تواله و تئاسل کردند.

۳- از تاریخ سر جان ملکم چاپ هندوستان صفحه ۵۱
 بعد از فوت شاهپور برادرش بهرام رابع رجالی او تنست.
 بهرام رابع کرمانشاه است باین سبب است که دو عهد
 برادرش حاکم کرمان بوده و در ایام سلطنت خود شهر کرمانشاه
 واکه از معارف شهرهای ایرالت بنیاد نموده نام خویش بر آن
 نهاد.

۴- مؤلف کتاب گنج دانش (محمد تقی محتسب
 حکیم در صفحه ۱۷ کتاب خود طبع تهران ۱۳۰۵ سطروری
 چند در باره کرمانشاه نگاشته که خلاصه آن چنین است.
 خسرو پرویز در محل فعلی کرمانشاه تا کستانی احداث کرد و
 در این تا کستان جشنی برپا نموده که سلاطین چین و ترک و هند و
 روم در آن حضور داشتند و در آن جشن صلات بسیار و بختنهای
 فراوان بشاهان گردید باین واسطه پسر از پادشاهان جشن بواسطه کرم بعضی
 بشاهان این محل بکرمانشاه موسوم گردید.

(۱) نبع مقصود ارقام بحروف ابجد است و بالغ بر ۸۳ میشود
 و این رقم ۸۳ یعنی ۸۳ در ۴.
 (۲) لذک بشرح بالا یعنی ۳۴ در ۴ و بیست و دقته.
 (۳) قباد اول پسر فیروز (۴۸۷ تا ۵۲۱ میلادی) دو دلمه
 سلطنت کرد.
 از قبایح مهم زمان این شاهنشاه پیدایش مذهب مزدک میباشد.
 از مختصات مهم این مذهب اشتراک در اموال و در
 زنهاست.

علم آگاهی معتمد روح (آیتا شاه کردستان)

۲۷۰

کرد و کردستان

«سنه اردلان»

«حکومت بساط یک اردلان»

پس از رجبده شدن بساط سرخابیک و فوت سلطان علی یک پسر سوش که چنانچه نو بود در تاریخ ۹۲۵ هجری پسر یازدهمش بساطیک بساط حکمرانی و آرایش داد. این ولی زاده در علم و فضل مقصود اردلان در سعادت و منزل نادره زمان بوده اکثر اوقات خود را در صحبت اهل علم بسر برده و بساط و سخنکاری میل مفرط داشته است.

قریب ده سال حکومت خود را با آسایش و آرامش بر گزار کرده است. در سال ۹۸۵ هجری تیمورخان و هلوخان پسران سلطانعلی یک که دختر لاله منتشا سلطان استا جلو بوده اند بر او شوریده قلمه پانگکان را مرکز خود قرار داده اند.

بساط یک جمعیتی را پسر کردگی سهراب یک برادر زن خود برای ادب و سرگرمی برادر زادگان احرام داشته هنوز اردوی بساط یک پانگکان نرسیده تیمور خان و هلو خان فرار کرده پدیدار شاه اسماعیل ثانی پناهنده میشوند.

قریب یکسال در دارالسلطنه قزوین سرگردان مانده بالاخره شاه اسماعیل در سال ۹۸۶ هجری از دنیا دور میگردد تیمور خان و هلو خان هم به کشتور کردستان مراجعت مینمایند.

جمعی از درسا و غوازین را باغود هدست کرده شروع بناخت و تاز مینایند و متذاری از متصرفات بساط یک را متصرف میشوند.

از قضا مأمور اهل مجال دفاع بساط یک ندادند در همین تاریخ از دنیا دور میگردد و تیمورخان بدون زحمت بر سرند حکمرانی کردستان قرار میگردد.

حکومت تیمور خان اردلان

پس از فوت بساط یک برادر زاده اش تیمورخان پسر سلطانعلی یک در سنه ۹۸۶ هجری بر سرند موووتی پدروی شاد کم نشسته حکومت کردستان را سر و موووتی تاز و روووتی جالب توجه میدهد.

چون سلطنت ایران استقرار یافته بود و پادشاه مقتدری برار یکس سلطنت نشسته بود تیمورخان با سلطان مرادخان سلطان دولت مشای طرح روابط ریخته اظهار اطاعت و اقیاد بان دولت مینماید سلطان مرادخان از این پیش آمده فرستد گفته هر سال بر صیقل استراخ مد هزار آتیه طلا که مالیات شهر (ورد بود (تصنیفا سی هزار پول کنولی ایران) در

باره تیمورخان مقرر داشته و لقب (میر میران) منفر و سر افرازش ساخته است تیمور خان را چهار پسر بود

- ۱- سلطان علی یک
- ۲- بدان یک
- ۳- مراد یک
- ۴- امیر علم الدین

متصرفات خود را در بین چهار پسر به ترتیب ذیل تقسیم نمود:

سهم سلطانعلی یک شهرزور، قرابه زلم، سنه دژ، حسن آباد

سهم بدان یک - قره داغ، کری، سرریز

سهم مراد یک - مریوان، سفزه سیاه کره، تلیکو و غورنوور

سهم امیر علم الدین - شهر بسازار و سلیمانیه تنوی

خود تیمور خان با مینمای منظم از سواره نظام بتعبیر اطراف و اکناف پرداخته کرمانشاه، سنقر، دینور و زرین کوه را هم که حالا گروس یا بیجار میگویند تحت تصرف در آورده بدون توجه بدولت ایران لوی استبداد و خود سری را بر افراشته است.

دو سه مرتبه هم اهل کلههر سر راه بر تیمورخان گرفتند، تیمورخان که کلههر را لغارت کرده و بنان شبشان محتاج ساخته است از سنه ۹۹۳ نیز با هزار سوار دوباره بتصرفات عمریک کلههر حمله برده عمریک ناچار پناهنده بشاه وردیخان و اسی لرستان شده است.

شاه وردیخان با جمعیت ارستان و کلههر سر راه بر تیمور خان گرفته تیمور خان که کلههر را غارت کرده و در حال مراجعت بود و هیچ نظاره هجو پیش آمدی را ندانسته ناچار با هلسان هزار سوار حمله هراه داشته با سپاه لر و کلههر آویخته است.

در میدان رزم اسب تیمور خان زمین خورده و فوراً سپاه لرستان بر او تاخته او را دستگیر مینمایند.

شاه وردیخان که شخص با تجربه و مال اندیش بود با کمال توقیر تیمور خان را پستزل خود برده و نهایت احترام و احترام را نسبت باو مرعی داشت.

پس از چندی تیمور خان را با سواره و جمعیت خود بکردستان روانه نمود بعد از سه سال از طرف دربار دولت ایران دولتیار سلطان منصورى حاکم مجال زرین گرشه آبخازا متصرف میشود تیمور خان با دو هزار سوار بزم دلق دولتیار

آگهی

از روز سه شنبه سوم شهریور ماه ساعت کار اداره روزنامه بعد از ظهرها از ساعت ۲ تا ۵ بند از ظهر خواهد بود.

وتیبه اهالی زرین کسر حرکت کرد.

دولتیار نامه هزار سوار قریباس که از طرف دولت ایران اهرام شده بودند سر راه بر تیمورخان گرفتند پس از مختصر زده خوردی دولتیار شکست باحتی خورده در قلمه پرداخت در دوسه حله قلمه را گشوده هنگام پورش بیان قلمه تیری بقتل تیمور خان میرسد و او را از پای در میآورد. لشکریان تیمور خان دست از قلمه نکشیده هلو خان برادر کوچکش با کمال شجاعت و تهور شروع بخونخواهی مینماید و متجاوز از دویست نفر از اهالی زرین کسر را بقتل میرساند بالاخره خود دولتیار سلطان را هم بدست آورده بنفس تیمور خان باشد غداق ده هزار دینار هم میسازد و زرین کسر را هم لغارت نموده نش تیمور خان بانام مریوان عودت میدهند.

حکومت هلو خان اردلان - پس از کشته شدن تیمور خان برادر کوچکش هلو خان دوسه ۹۹۶ هجری بر متصرفات تیمور خان استیلا یافت با استیلا حکومت کردستان اشغال میابد.

هلو خان در عقوبت رویه تیمور خان برادرش با دولت مشای مدت ۲ سال حفظ متاسبات با سلطان مراد خان سوم نموده ولی اخیرا با درویشان ایران تجدید روابط مینماید و اطاعت و انقیاد خود را بدویار اظهار میدارد و دارالملك کردستان را از قلمه زلم و قلمه مریوان بقله پانگکان استدل میشدند.

قلمه پانگکان در عمل بسیار سخت و سنگلاخی واقع شده و در آن زمان از قلاع محکمه این سامان بشمار رفت است که برای هیچیک از سلطان هجواری ممکن نبوده آبخازا بهر وقایع شخیر نایبند آذر و هلازم و دروازه سنگی آ قلمه چنانکه گفتیم هنوز باقیست در سابق ایام مرکز طایفه گوران و کلههر بوده که از طوایف کردستان هستند و در آنجا سکونت داشته اند.

بعد در نتیجه تمدن رفیع دهور و حوادث روزگار و بران شده هلو خان آن را از نو تسخیر و مرمت نموده و بر استحکامات آن افزود است و چندین آبادی در اطراف آن برپا ساخته و در هر آبادی مسجد مستحکی برای پناه اهالی دوهنگام شرووت بنا نهاده است.

قره پانگکان در دوازده فرسنگی شهر سنه دژ واقع است در سمت جنوب غربی آن از قلمه زلم و مریوان و حسن آباد هم تعبیرات کامل نموده هر سه را با برج شکوه و عظمت رسانیده است.

هلو خان شخص شجاع و بیروندی بود و در عدل و داد سر آمد عصر خود بوده است تا زبر دستان و وهایا در نهایت مبرومیت و درافت و عطاوت معامله میکرد و با شطاب و حکام قرب جواری طریق دوستی و مودت مینموده است.

در مدت حکمرانی او تمام متصرفات ظنر و ش آباد و مهور طرق و شوارع امن و منظم خزانه اش هم از سیم و زر انباشته گشته است.

فصول اربعه سال را بر قلاع اربعه تقسیم میکرد زمستان را در زلم و بهار را در پانگکان و تابستان را در حسن آباد و پاییز را در مریوان بسر میبرد است.

در تنگبیر سیاه و تنظیمات قشونی نهایت جه و جبهه را داشته که اخیرا از هر حیث اطمینان خاطر حاصل نموده هیچکدام از دولتین روم و ایران اعتنا نکرده با استقلال حکومت میکرد و مملکت کردستان را مملکت مستقله نامیده است.

برای تدریس علوم و فنون معارف و امامت جمعه شیخ مهدالنفار دوم مردوخ را «پسر شیخ شمس الدین» که در کاشیخان اورامان سکونت داشته بقریه حسن آباد که پایتخت سنه بوده است انتقال داده است.

برای تعلیم و تربیت خان احمد خان پسرش نیز ملا یعقوب اهلی هلو موالی سنه دژ را که در مهور کول بوده حسن آباد آورده و کلیه لوازم زندگی ایشان را تامین نموده است.

بقلم آقای محمد امین هوشمند
خبرنگار نامه کوهستان.

«اشکی بر مزار ناگامی»

ماشین ما سرعت جاده را میسرود
منظر طبیعی و زیبای ملوۀ آباد ازورای
بیشه های ماقبل سرعت از نظرم رژه می
رفتند.

ماشین ما را بهمدان رسانید شهر را
کردش گرم ، دره تاشانی هاس آباد
را نیز دیدن نمودم و تاملی کار خانه
برق رفته از آنجا اکیانان بزرگ را خوب
تماشاکردم .

اول هدف من از توقف همدان مشاهده
و زیارت مقبره باباطاهر مریان بوده است
داشتن این شاعر بزرگ ملی مرا شیفته
کرده بود و بیش از پیش مرا به سوی خود
میکشاید .

مقبره باباطاهر بر روی تندی یا صفائی
واقع شده لسی خارجی آن قابل توجه
یست .

سید حسن عشقی نامم بارگاه در
اطراف و ضمیمت ساکنان مغم . برابرم
توضیحاتی میداد می گفت از سیصد هزار
تومان که برای ساختن مقبره او - ر داده
بودند بیش از این چهار دیوار خشتی که
بر سر راست کا دیگری نکرده بقیه یون
سید و دل شده .

آخوری که او میگفت ساکنان قلی
هتیره خوبتر و ضمیمت مناسبتراز ساکنان
جدید بوده در اطق منبره همیشه ۱۲ چراغ
روشن بوده در صورتیکه حالیه پیش ازین
چراغ نئی نیسوزد .

شخص وقتی اینوضع رفت بار را
می بیند مناز می شود خسته اولیا او را از
شهرائی که جهان از صیت شهرت آچار
شده و مقام ادبی ایران و ایران را در دنیا
روشن و آبروی داده اند چگونه قدر دانی
میکند ؟

در این ملک کار شمایی ندارد از
پک طرف برای مقبره شاعری حماسه سرا
میلون هاتومان اسرار داده میشود و از
طرف دیگر بهر شاعری مانند باباطاهر
مریان توجهی نیساخته .

آن یکی میگوید :

هر نزد ایرانیان استوس
ندارند شیر زبان را کس
که حکایت از حس میهن پرستی می
کند .

ولی این یکی باز بانی ساده ازدوری
میهن نالیله که بنگ بل هر میهن پرستوزده
میگوید :

ز شوق مسکن و داد غریس
بینه آشتی درم خدایا

عشقی که در کانون سینه بابا طاهر
بوده عشقی پاک و آسمانی بوده و چون
لذاته و پیرایش برای بیچارگی میهن خود
گریه کرده است .

سید حسین عشقی خادم مقبره باباطاهر
آهسته و معرولی از اشعار باباطاهر میخواند

((پی شینان و تو یانه))

و عنوان را همیشه « پیشینان و تو یانه » قرار میدهم
۱- هزار سال بکاهی بی گانه بهره ستی له آخریفا
ده نیت نووشستی .

۱- آشتی دووای شهرخوشه .

۳- تازی ولات به که رویشکی ولات رسته کوی .

۴- قسه هزاره دورانی به کاره .

۵- ریش نهی به تووشاوه ، که ووبه تووشاوه ،

نهی شانی بوهل کوی .

۶- سوار تانه گلی نابی به سوار .

۷- گول بی قیچک نابی .

۸- کارله بیشه شیرنهما ، گورگوو عام ری وی

نه که ونه رقم رسوما .

۹- روز یکشنبه که له شیرری بزی ، هزار روز به ریشکی

هازی .

۱۰- نان بده به سهک ، هایده به سهپله .

قبل از توقیف روزنامه از
علاقه مندان تقاضا نمودیم از ضرب المثل
های کردی که بخاطر دارند نوشته
برای ما بفرستند که بتدریج و به
تناسب موقعیت برای هر شماره چند
ضرب المثل انتخاب و چاپ نمائیم .

آقای محمد امین هوشمند خیر
نگار ما در ستره که قبلا جمع آوری
ضرب المثل های کردی توجهشان را
جلب نموده بود ، بمانوید دادند که
موفق به گرد آوری تعداد قابل

ملاحظه ای شده و تسابحال هم چند
نومست برای ما از آن ضرب المثلها
فرستاده اند و عنوانی پیشنهاد نمودند
که تعجب آن هر شماره ضرب المثل های

رسیده را چاپ کنیم « پیشینان
و تو یانه » آقای ابوبکر باخانی راده نیز
از بوکان در حدود یکصد و چند
ضرب المثل برای ما فرستاده اند
آقای فتاحی قاضی هم چند ضرب
المثلی ارسال داشته اند یکی
از دوستان هم کتابچه ای راجع به

ضرب المثل های کردی که در سال
۱۹۳۳ در بغداد چاپ شده به ما هدیه
کرده اند ، از این آقایان متشکریم
و برای سرگرمی و ادللاج از گفته های
پیشینان از این شماره مرتقا هر هفته
چند ضرب المثل کردی چاپ میکنیم

قاب سوزناک من بیشتر مناز گشت هر دو
قریه میگردیم ؟

او برای عشق درویشی و قلندواته
خود و من بر این مزار شاعر نامی فراموش
شده هنوز هم عبارات آن دوشین بابا را
که سید حسین امده ان معلوظ بگریه برابرم
میخواند در گوشم طنین انداز است که
میگفت :

خدایا داد از این دل و انداز این دل
که یکدم من نکشم شاد از ایندل

آگهی مختصر وراثت

بتاریخ ۱۰/۱۲/۱۳۲۴ - آقای حبیب الله نانی بوکات از
طرف آقای عبدالصوف (متوفی) استناد بکبرک گواهینامه و رو
اخذت وصیثه و رونوشت شناسنامه دافنواوت شماره ۵۷۶/۱/۲۴
داده باینکه مرحوم آقا جان (دانشمند جلیل بود) دارنده شناسنامه
شماره ۱۴۸۰۰۷ در تاریخ دهم آبانماه ۱۳۲۳ در تهران جایگناه
هیثگی نمود و غات یانته و آقایان عبدالصوف (متوفی) بشناسنامه
شماره ۴۸۰۵۱ و یوسف (میت) شناسنامه شماره ۲۴۲۷۳ بمران و
بانو زهرا بشناسنامه شماره ۱۸۹۳۰ زوجه دانشی متوفی و وراثت
منعمرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت
متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شهنشاهی و روزنامه
کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی
و نبودن معترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی
وصیثنامه از متوفی دارد در ظرف مهلت مزبور از والاعصر
وصیثنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط
خواهد بود

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

۳-۳

چو فردا داد خواهان داد خواهد

زمن من مد هزاران داد از ایندل
شاید اگر در کوهستانهای آن اطراف سگردید و خوب گوش
فردا زید حالا هم نواهای پر شور بابای مریان بگوش برسند

تلگرافی از سقز
 شهرستان کلی کشور - رونوشت وزارت کشور رونوشت نمایندگان محترم مجلس آقایان آصف ، سندس ، صدوقی و رونوشت جرایم محترم رعد امروزی رونوشت کوهستان رونوشت ایران رونوشت داد انتشار پارسال آقای رسدیان ، انتشار پیام رئیس محترم شهربانی سابق سفر قاطعه اهالی تصور میکردیم از روی تشخیص عدم صلاحیت متارالیه برای سقز بوده اتعال اتصال آقای سرپرست کاروان را جبر بدین ناشتم بنظور حسن توجه در باره اهالی و حسن جریان سیاست دولت یک نظر پایور اوشه تر دو واس شهربانی سقز قرار خواهد گرفت . بر لشن اخیر آقای انتشار پناه بر غفلت سابق ثابت کرده ای سفر آنچه اشترام و اهیت نسبت بشنون اجناسی خود قابل هسنه کاملاً اشتباه محض است . شاید این عرض بند را آلوده بنظر شخصی تفسیر فرمانده مدلك از روی علان بفس سیاست دولت و رفاه حال اهالی عرض نمیدانم یکسفر پایور اوشه تر دو واس شهربانی سقز قرار گیرد بهتراست اگر عرض میشود وجود آقای انتشار پناه علاوه بر اینکه مورد استفاده نخواهد بود بلکه موجب دشمنی اهالی او اهالی محمل خواهد شد حقیقت را عرض رساند.

قادر انوشیروانی از سقز
 آقای ش... ره معالای تحت عنوان « اور غل یا قافله هوده » برای ما فرستاده و اطلاعاتی داده بودند ما از ایشان متشکریم اگر چه اطلاعات دیگری هم از گوشت و کنار راجع به بیلیات وسوء

در نجار تخانه تقی زاده تبریزی

آقای ... نکی می نویسد: در خرداد ماه گذشته برادر اینجانب که در سفر نجارستان اشغال دارد در تبریز به تجارخانه تقی زاده مراجعه و با حضور چند نفر جامه دان خود را که محتوی ۸۵ هزار ریال بوده به امانت آنجا سپردند فردای آن روز که برای تحویل گرفتن جامه دان میبرد ده هزار ریال از او جمع می نمودی آن را کسر می بیند پس از تحقیق معلوم میشود که سران تقی زاده بجامه دان دستبرد زده اند.

در خانه مراجعه خود آقای نکی تقاضا نموده اند موضوع را مخصوصاً برای اطلاع و آگاه بودن بازرگانانی که از نواسی مسئله کرد نشین به تبریز میروند درج نمائیم تا آنان مراقب باشند.

استفاده های ... له مردم رسیده و اسی انتظار داریم اشخاص دیگر هم که از سوء استفاده های این شخصی اطلاعات دیگری دارند برای ما فرستند مخصوصاً تناسبات در اشاعات و اخبار از اسالی و رعایت نهایت سی طرفی و انصاف بشود

ار سنندج
 آقای غیر خواه می نویسد در خصوص نامه ها و تلگراماتی که راجع آقایان برادران سندس و رحیم اده میرسد آقای رحیم زاده را ... می و حیدر زاده هر قوم فرماید زیرا در سنندج اشخاص محترمی از نمایان رحیم زاده نیز هستند و شایسته نیست اشتباها مورد سوءظن خوانندگان محترم واقع شوند.

بمقام سبب اول پائیز

اثر مولوی
 یابزهات ، مهیلی تازه ی دبه جل
 رشته ی سی و یلی هرزان کرد شمال
 گیزی سای کاوان له ساردی که یله
 بوایه بی وفای بی مه یلی له یله
 تاققت لیم تاقه ، آخر نه فسه
 آمانت ره حمت بی ، استغنا بسه
 نو خواهی زنده به به نهجه ی نازت
 بو تیره باران آوقه خوانت
 چه سرت مه هیله له دای تنگدا
 جهان خوشه چه ده ننگ به شوبن خنده تنگدا
 نغمی تیری قوم نه روی نهوه
 بیری غماری قوم نه که ویتوه
 این غزل را آقای احمد قانع نژاد از تهران ارسال داشته اند

پای کلینیک تهران

پای کلینیک تهران تحت نظر آقایان دکتر عبدالعزیز اردلان دکتر هوشنگ علی و دکتر جهانگیر جهانشاد اداره میشود. پای کلینیک تهران دارای بخشهای مختلفی پزشکی میباشد. آدرس: تهران خیابان سوم اسفند

حافه مسطح واقع است شمالی و غربی بگونه های سنتی که مانند دیوار سرفس کتیبه و بالاترین از آن سار مشکلی بود معدوم میشد. دشمن این نقاط معرناک را اشغال کرده بود. صبح خیلی زود موقعی که شیخ از منزل خارج میشد مورد شلیک قرار گرفت. عالی سراسیمه از خواب پریدند. گلوله های تفنگ در مسایل ها مانده تکرار بر روی ده میبارید. اینجادیگر مجال مذاکره و مشاوره نبود. انتظار رسیدن کمک هم موجب تلفات زیاد میشد. اصولاً مردان کرد محله مدافعه زیاد ندارند ترسناکی چرخه. اوسن توو شیخ ظاهر و رسول پسر شیخ و پسر عوهایش هادی اودی و چند نفر دیگر از شیخها لباس شیار خود به دون اینکه فرصت پوشیدن لباس داشته باشند دوستی تفنگ و با دست دیگر قطارهای تفنگ را گرفته از خانه های خود بیرون حسته. آزارات در طرفش ماهه اخیر در زمین مرتبه بود که شهامت و جلالت فرزندان خود را رخ و شهنای کرد کشیده سرانندگی اعصار گذشته را جبران میکنند. قهرمانان ماند بر کوهی از سنگی سنگ دیگر بریده در اندک زمانی خود را به اولین خط منجاولین رسانیدند. دشمن این انتظار را نداشت خود را گم کرد. ایران و نظامیانی که در ست حمله واقع شده بودند جان به به آرمزده سپردند. شکست به تمام خط سرایت کرد و تا تک کردعا از عقب رسید فستی از تر که پیرا اگر اولیه خود را به شده قسمت دیگر با طرف پراکنده چند غرم خود را اترس جان به بالانقی که میان خط فاصل واقع بود اداخته بودند که دیگر اثری از آنان نشد زیرا شیخ ظاهر با مدعی فدلی طوری حمله کرده بودند که راه عقب نشینی نظامیان بسته بودند. دواشای فرار منهار زیادی جمه های تفنگ را بهین بالانقی اداخته بودند که فقط چند جمه از آنرا کرد ها بیرون آوردند.

حکام ایران داخل ایرانها را چایده بر میکت عده ای پیاده در تحت ریاست رسول پسر شیخ عبد العازر به ده مشارالیه اجرام. شیخ عده ماتول گردید در صورتیکه شیخ محمد از طرفی ازطایفه و نزدیکان روی حسکی و از طرف دیگر از سو زاده های عیال شیخ عبد العادر بود. کینه خوری چون دستوری صادر و به شیبات خود گرز دینوده بود. ۵ میلیون مرد به تهبابید منافع سیاسی و اقتصادی دولت شاهنشاهی ایران را محترم شمارند بلکه نباید هلاک رسیده این موضوع را بیوت رسانند و بدین رسیده تمدن طرفی دولت شاهنشاهی که مانوده بلکه در نتیجه اظهار صداقت نظارت منوی سیاسی دولت نامبرده را بدست یاورند. این اعلامیه که که باهمر رسمی هیئت مرکزی غوی چون مهور بود بیدنیست از نظر زمانه ایران وقت نشونی ایران هم گذشته باشد.

این دستور کاملاً اجراء خودریکه تا هم خوردن تشکیلات آزارات کوچکترین مملی که خلاف مداول دستور موب باشد. از آزارات بسیار نزد بنویسکه قوای آزارات در طی زود خورد های خود با دولت ترکیه مانند لشکری که مامور معاضدت مطنه رسمی ایران باشد رفتار میشود اما حق داشت از دولت ایران انتظار پاداش نیکو داشته باشد مناسفانه حوادثی پیش آمده که در شماره های بعد از نظر خوانندگان خواهیم گذراند که خلاف بن انتظار را بیوت رسانید.

اول مرورین بود هنوز زمستان آزارات پایان نیافته بود. شیخ قوای دولتی ترک پراهن عده ای از اهل کسکومی اطراف ده شیخ عبد العادر را اعساره کردند. ده شیخ در دستهای پایه های قری آزارات در یک محوطه

کوهستان

د يك غزل از طاهر بك

دل نخوشی درد هجره جان جانانم وره
 ات لته جرك و ره ناوم ماه تابانم وره
 علت درد و شفا كم وابه لبو شكرت
 مایه ژبن و حیالتم درد و درمانم وره
 صد شكر دوباره جزن وقتنی عیش و شایه
 بو بلاگردان بالات قوج قرانم وره
 دلبری قد عمری بی رحمگی بدبختكم
 دل رفینی شوخگی بو عهد و پیمانم وره
 نازینی سخمه آلی دیده مستی كج كلاه
 كلمذاری شوخ و شنگی شاه خوبانم وره
 خانه ویرانم له دوریت رهزن ایوان و دل
 زینت بزم سریرم شمع دیوانم وره
 چونكه سایه چتر زلفت دورله فرقی فرقمه
 سینه پر خون وز و خاوم دل پریشانم وره
 دورله بالای نونمامت زام جرگم كاریه
 و لك قرب صدحار دخیلم روبه لقمانم وره
 كس نیه ثابت قدمك مرله اوی عشقی تو
 برسپاهی غمزه كات مرد میدانم وره
 گردرسی حالت من بو فراقیت بیت بلیم
 هر و كوه طاهر همیشه دیده گریانم وره
 این غزل را آقای شكرا، طاهر بور ز كرم شاه
 فرستاده اند يك قطعه هم كه به كردی كرم شاه می سروده
 شده بود ارسال داشته اند اگر چه خیلی مسایل بودیم آنرا
 درج كنیم ولی چون در چند شعر آن عبارات سخته داشت
 خودداری نمودیم تا تصحیح شده آنرا برای ما مجدداً بفرستند

داد گاه بی پایان

آقای «بسی آزاد پور» نماینده نامه
 کوهستان در سندج یکماه است که به جرم
 توزیع نامه کوهستان از طرف فرمانداری نظامی
 آنجا بازداشت شده تعقیقات اولیه برای
 تشکیل پرونده ای برای مشاوران بهائوسی
 رسیده ولی آنها را «کمانه» مانند همیشه مردم
 کور کوران اطاعتشان نمایند هر روز بشکلی
 قدرت غیرقانونی خود را اعمال می کنند.
 اخیراً گویا دادگاهی تحت ریاست
 رئیس ژاندارمری سامور ابتکار شده
 مانوچه اولیای مسئولان را این فصل
 جریانات که از چندین قبل در کردستان
 برای مرعوب ساختن مردم آغاز شده جلب
 میسالمیم و جدا میسوا مییم که اجازه ندهند
 سرتیپ هوشمند افشار پادست نشانگان
 او پیش از این در بیس ماسک قانون و مقررات
 حکومت نظامی طبعی ترین اعمال را
 مرتکب شوند.
 و نیز انتظار داریم آقای سرتیپ
 هابونی هر چه زودتر به جل ماموریت خود
 حرکت نموده باین بازار آشفته و خود
 منشاری ها خانه دهند.

آقای سرتیپ هابونی اگر چه در
 مدت توقف خود در تهران چه در ستاد
 ارتش رسا و چه بوسیله اشخاص مطلع
 از جریان اوضاع کردستان، سبق شده اند
 ولی اطمینان دارم با ورود بسنج و باز
 دیدن سببهای مختلفه منطقه ماموریت خود
 در آنست مدتی سوختن هائی را که در
 نهایت مهارت و طول این مدت در آنجا
 بکار رفته کشف و خیانت کاران را خواهند
 شناخت.

تا آنها می که در خواب کاری های
 کردستان دست دارند باید آگاه و معطش
 باشند که هر قدر بر شدت عملیات خود
 و فشار بر مردم بویسارند، درن ملت نیافرینند
 همان میزان مامور بر شدت تعقیب و مفتضح
 نمودن آنان میافزایند.

اقلیت ثابت مسافرت های نهایی
 دست بدهها مانع از آشکار شدن نمودن
 حقیقت نگردد.

توقف و زانامه کوهستان در شهرها و
 دعوات، ممنوع نمودن مردم از خواندن
 آن، تهیه زدن و... هیچگاه نتیجه ای
 اعمال شاگردو کوچک تر نخواهد داشت.

صورت اسامی آقایانی که برای
 تعمیر گنبد حضرت تویس کمک
 نموده اند

- آقای حاج محمد کریم - ۳۰۰ ریال
- محمدالحق مندلیبی - ۵۰
- محمد رحیبان - ۱۰۰
- ذبیح الدین - ۵۰
- دانشاد وطن دوست - ۱۰۰
- غالبه عبدالکریم دلال - ۲۰
- مسعود ابن - ۱۰۰
- میرزا حسن مروفی - ۱۰۰
- آقا حسینعلی ملافتد بهرامی - ۱۱۰
- میرزا محمد زرگر - ۲۰۰

بسناسیت پایان جنگ

درد بردانیان پیروزی

بر توای هستی بخش زندگی بر توای
 قرشته آزادی که بنگانه هدف و ایده آل
 جهانیان هستی درود باد.

درد باد بروان شما ای رادمردانی
 که مرگ و نیستی را بر اسارت و زبونی
 ترجیح داده و مردانه تا نا و ی دشمن
 بیگار خودیده و اهر کوه عظیم و بیدادگری
 جهاد مبارزه نمودید.

درد باد بشنای سربازان دلیر و
 بشنای ایلم داران آزادی درود پرشدهای
 پیش آهنگان بیروی مبارز و ای مخالفین
 ارتجاع و بیدادگری که ۶ سال هر گونه
 مصائب و عوارض را تحمل و با فدائاری و
 جانپنازی صلح و آزادی را در جهان بر مراد
 ساختید.

آری تاریخ هم نام شما را همیشه در
 صفحات زرین خود باغضوط پرست خواهد
 نگاشت. و جهانیان نام شما را همیشه به
 یگانه می و بزرگواری یاد خواهند کرده
 سندج - سروسی انور

وکیل مال اندیشی ها

پایه از صفحه ۶

پروامع است که اسواق اطفالی
 و با در نظر گرفتن علت مسافرت آقای
 محیط و ملاقات او با سرتیپ هوشمند افشار
 و اطلاع از اوضاع مقر مقامات دولتی
 تنها باین خدمت آقای محیط اهستی نداده
 بلکه دوباره که در باره مشاوران هم راه
 اشتباه پیبوده شده بود.

آقای محیط ملا نشان داد که برای
 تهیه زمین ای برای دوره بازدهم از هیچ
 اقدامی دریغ ندارد و او اینکه این اقدام
 موجب بد بختی موکلین خیالی او باشد و
 نیز معلوم شد که برنامه او این است که
 طاق و دولت ایجاد کند تا شاید از بازار
 آفته استفاده نماید.

ما با آقای محیط بار دیگر اطفالان
 میدیم که در دوره بازدهم امیدی از
 برای ایشان نیست و از امثال اسمعی و
 اوری و غیره هر کاری ساخته نخواهد بود
 زیرا اسواق اینگونه اشخاص روز بروز
 دوشتتر خواهد شد و شاید از بیم افشاح
 بیشتری از کوشش در امر غیر انتخاب نمودن
 ایشان شود داری مانده.

اگر لازم شد باز در این موضوع
 خواهیم نگاشت.

- آقای آقا محمد کریم اف - ۱۰۰ ریال
- میرحسین - ۵۰
- محمد شاکر شاه اویسی - ۱۰۰
- داحمد ساداتیان - ۵۰
- دو کیز سلطان - ۱۰۰
- محمدالاجوردی - ۱۰۰
- حضرت آقا محمدوزیری - ۲۰۰
- حاج سالار قلیچ - ۳۰۰
- دباقر ذکری - ۱۰۰
- محمد وردت محمد سعید - ۲۰۰

محل اداره: خیابان پهلوی

رولروی کوچه مر یضخانه وزیری تلفن ۸۵۴۹

چاپخانه کشاورزی

تلفن ۴۷۸۷